

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه خطبه جمعه

۱۷ ژوئیه ۲۰۲۰ مصادف با ۲۷ تیر ۱۳۹۹

سیدنا امیر المومنین پنجمین خلیفه حضرت مسیح موعود علیه السلام بتاريخ ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۰ مصادف با ۲۷ تیر ۱۳۹۹ در مسجد بیت المبارک اسلام آباد خطبه جمعه ایراد فرمودند که با ترجمه شده در زبان های مختلف بر ایم تی ای زنده پخش شد. حضور انور فرمودند: در خطبه گذشته تذکره حضرت سعد بن معاذ بیان می کردم. حضرت میرزا بشیر احمد در کتاب سیره خاتم النبیین در جریان ذکر غزوه احزاب و حضرت سعد بن معاذ نوشت که: در این جنگ مسلمانان زیاد آسیب ندیدند. فقط پنج یا شش نفر شهید شدند. سه نفر از لشکر قریش کشته شدند اما در این جنگ قریش چنان آسیب سختی دید که بعد از این هیچ وقت دست جمعی علیه مسلمانان یا بر مدینه جسارت لشکر کشی نکرد.

مچ حضرت سعد بن معاذ در غزوه خندق مجروح شد و همین زخم منجر به شهادت اش شد. حضرت عائشه رضی الله فرمود که حضرت سعد بن معاذ یک زره بر تن داشت و هر دو اطراف تن وی از زره خارج بودند. یعنی جسم او فربه و زخم بود بعلت این اطرافش از زره خارج بودند. وقتی وی مجروح شد به درگاه خداوند این دعا کرد که ای خداوند متعال تا وقتی که از طرف بنو قریظه اطمینان خاطر بشوم مرا بدست مرگ نسپار. وقتی تیر به بازوی حضرت سعد خورد رسول اکرم صل الله علیه وسلم از دست خود توک تیر را بیرون آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد برای او چادر زدند تا بتوانند نزد او مانند وعیادت اش کنند. همین طور زنی بنام رفیده که در پرستاری چیره دست بود به خدمت او مامور گشت.

وقتی زخم حضرت سعد بن معاذ خشک شد و رو به التیام یافت وی دعا کرد که ای خداوند متعال اگر از جنگ میان ما و قریش باقیست مرا برای مقابله به آنها زنده نگهدار تا وقتی که بتوانم در راه تو جهاد بکنم اما اگر سلسله جنگ میان ما و آنها خاتمه داده ای چون گمان می برم پس رگ مرا باز کن و این زخم موجب شهادت من گردد. همان شب زخم باز شد و خون جاری شد. وقتی خون حضرت سعد بن معاذ جاری شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزدش رفت و وی را باخود چسپید. چهره و ریش مبارک داشت خون آلود می شد. سپس آنحضرت صلی الله علیه و آله دعا کردند که ای خدا تو روحی را باخیر قبول می

کنی روح وی را نیز با آن خیر قبول کن. سن حضرت سعد بن معاذ موقع وفات ۳۷ سال بود.

حضرت میرزا بشیر احمد می فرمود که وفات سعد برای مسلمانان ضرر جبران ناپذیر بود. سعد در انصار همان جایگاهی داشت که حضرت ابو بکر در مهاجرین داشت. موقع مرگ فرزند روحانی، صدمه پیامبراکرم صلی الله علیه وسلم امر طبیعی بود اما ایشان شکیبایی کامل نشان دادند و جلوی ارده خداوند سر تسلیم خم کردند. بعد از این پیامبراکرم صلی الله علیه وسلم نماز میت اقامه کردند و برای تدفین همراه مردم تشریف بردند تا کندن قبر همانجا تشریف داشتند. آن هنگام ایشان فرمودند که اهتز عرش الرحمن لموت سعد.. یعنی موقع مرگ سعد، عرش رحمن تاب خورده است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم به مادر سعد بن معاذ فرمودند که پسر تو اولین کسانی است که برایش خداوند لبخند زد و برایش عرش لرزید پیامبراکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند که هفتاد هزار فرشتگان بر جنازه سعد بن معاذ حضور داشتند که قبل از امروز برای هیچکس نزول نکردند. وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم سعد را دفن کردند و از جنازه ایشان برگشتند اشک‌های ایشان از ریش جریان بودند.

بعد از مدتی پارچه از ابریشم بعنوان هدیه پیش ایشان آمد، آن موقع برخی اصحاب آن را دید و ملایمی آن را دیدند با تعجب ذکر کردند و آن را چیز فوق العاده تصور کردند. پیامبراکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند که آیا به ملایمی این تعجب می‌کنید. به خدا پارچه‌های سعد از این ملایم تر و بهتر است.

صحابی بعدی که ذکر ایشان است، اسم ایشان حضرت سعد بن ابی وقاص است. کنیت سعد، ابواسحاق بود. اسم پدرشان مالک بن اهیب اما در روایات دیگر مالک بن وهیب بیان شده است. پدرشان به سبب کنیت ابوقاص معروف بودند و به خاطر این اسم ایشان سعد بن ابی وقاص بیان شده است. اسم مادرشان حمه بنت سفیان بود. حضرت سعد بن ابی وقاص از قبیله قریش بنوزهره بودند. حضرت سعد بن ابی وقاص از ده صحابی بودند که پیامبراکرم صلی الله علیه وسلم آنان را در زندگی بشارت جنت داده بودند. آن ده صحابی را عشره مبشره می‌گویند. حضرت سعد فرمودند که من خوابی دیدم که من در تیرگی هستم و هیچی نمی‌بینم. دفعتا دیدم که ماه طلوع شد و من به طرف آن راه افتادم. چه می‌بینم که قبل از من زید بن

حارثه، حضرت علی و حضرت ابوبکر به طرف ماه می‌روند. وی توسط تبلیغ حضرت ابو بکر رضی الله به اسلام گروید و آن هنگام او هیفده یا نوزده سالگی بود.

معصب پسر حضرت سعد بیان می‌کند که پدرم سعد به من بیان کرد که مادرم قسم خورده بود یعنی مادر حضرت سعد که با ایشان هیچگاه حرف نمی‌زند تا اینکه از دین خود انکار کند یعنی اسلام را ترک کند بنابراین غذایم خورد و آب نمی‌نوشید. حضرت سعد بیان می‌کنند مادرم یک روز و یک شب هیچی نخورد و نوشید و حالت بد شد و من به وی گفتم که سوگند به خدا اگر تو هزار تا جان داشتی و تمام آنان دانه دانه خارج شد در آنصورت دین خودم را ترک نمی‌کردم.

در اوایل اسلام وقتی مسلمانان مخفیانه نماز می‌خواندند، یک بار حضرت سعد در وادی به همراه چند صحابی در حال نماز خواندن بود که بعضی مشرکان به آنجا سر رسیدند و شروع کردند به سخره گرفتن و استهزای مسلمانان و خواستند که عیب دین اسلام را بشمرند و آنجا کار به جنگ و دعوا کشید، و آنگاه حضرت سعد به سر مشرکی استخوان شتر را چنان محکم زد که سرش ترکید، پس این اولین خونی بود که در اسلام ریخته شد.

در مکه کفار مسلمانان را تحریم کرده و در شعب ابی طالب محصور کرده بودند و این طور آن مسلمانانی که با رنج و آزارهای آن زمان روبرو شدند، از آنها یکی حضرت سعد بن وقاص هم بود. سعد بن ابی وقاص تعریف می‌کند که باری، در هنگام شب پایش به چیزی نرم برخورد کرد و به نظر می‌رسید که تکه‌ای از خرما باشد ولی آن زمان او چنان به شدت گرسنه بود که بلافاصله آن را برداشت و قورت داد و وی تعریف می‌کند که من تا امروز خبر ندارم که آن چه چیزی بود. در هنگامی دیگر به سبب گرسنگی وی این حال داشت که او چرم خشکیده را روی زمین پیدا کرد و همان را در آب نرم و تمیز کرد و سپس کباب کرده و خورد و سه روز را با همین ضیافت غیبی به سر برد.

حضرت سعد از اولین کسانی بود که هجرت نمودند، وی قبل از تشریف‌آوری حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به مدینه هجرت کرده بود. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بین حضرت سعد بن ابی وقاص و حضرت مصعب بن عمیر پیمان برادری بستند و در روایتی دیگر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بین او و حضرت سعد بن معاذ عقد برادری منعقد فرمودند.

ابو اسحاق روایت می‌کند که از اصحاب حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم چهار نفر حمله‌وران شدیدی بودند: که حضرت عمر، حضرت علی، حضرت زبیر و حضرت سعد بودند. پس از هجرت مدینه، مسلمین همیشه نگران حمله‌ی کفار می‌بودند و به سبب آن در اوایل مسلمانان اغلب در شب هم بیدار می‌ماندند و حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم هم معمولاً در شب‌ها نمی‌خوابیدند. در این باره روایتی نقل شده است که حضرت عایشه تعریف می‌کند که در دوران تشریف‌آوری حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به مدینه، ایشان باری نتوانستند شب بخوابند آنگاه ایشان فرمودند: کاش از اصحاب من یک مرد نیکوکار امروز به جای من نگهبانی دهد، وی می‌گوید که ما در همین حال بودیم که صدای اسلحه را شنیدیم، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: کیستی؟ حضرت سعد عرض کرد: سعد بن ابی وقاص که من سعد بن ابی وقاصم؛ حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم از او پرسیدند: چرا آمدی؟ وی گفت: در دلم نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و سلم بیم و ترسی ایجاد شد لذا آمدم تا برای شما نگهبانی بدهم حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم برای سعد دعا کردند که پروردگارا، سعد هرگاه در درگاه تو دعا کند، دعایش را مستجاب بفرما.

به سبب این دعای حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم حضرت سعد به عنوان مستجاب الدعوه معروف بود. در روایتی آمده است که قیس بن ابی حازم تعریف می‌کند که باری، من داشتم در بازار مدینه می‌رفتم و وقتی به مکان هجار الزید رسیدم، دیدم که مردم دور و بر یک نفر ازدحام کرده‌اند که بر مرکبی سوار بود و داشت حضرت علی را دشنام می‌داد، در این اثنا حضرت سعد بن ابی وقاص هم به آنجا آمد و از آنها پرسید که چه اتفاقی افتاده است؟ مردم پاسخ دادند که این مرد حضرت علی را دشنام می‌دهد، حضرت سعد جلوتر رفت و مردم برای او راه را باز کردند تا این که وی در برابر آن مرد ایستاد و پرسید: ای مرد، تو چرا حضرت علی را دشنام می‌دهی؟ آیا وی قبل از همه اسلام نیاورده بود؟ آیا او اولین نفر نبود که با حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نماز خواند، آیا او از میان مردم از همه بیشتر متقی و پارسا نیست؟ آیا وی بیشتر از همه مردم علم و آگاهی ندارد؟ نیز حضرت سعد تعریف می‌کند که آیا حضرت پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم با درآوردن دختر خود به عقد او شرف و افتخار دامادی خود را به او اعطا نکردند، آیا او در غزوات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پرچمدار آن حضرت نبود؟ راوی

می‌گوید که پس از آن، حضرت سعد رو به سوی خانه کعبه کرد و برای دعا دست‌های خود را بلند کرد و دعا خواند که پروردگارا، او از بین اولیای تو یکی یعنی حضرت علی را دشنام داده است، تو قبل از این که این جماعت پراکنده شوند، معجزه قدرت خود را نشان بده. این ارجاع از مستدرک گرفته شده است، قیس می‌گوید که بخدا قسم، ما هنوز از آنجا نرفته بودیم که مرکب آن مرد، او را به زمین زد و سرش را با پاهای خود سنگ زد و از آن سرش ترکیب و مرد.

در زمان غزوه خندق هم در تاریخ به چشم می‌خورد، حضرت مصلح موعود رضی الله عنه با ذکر آن می‌فرمایند: حضرت عایشه تعریف می‌کند که به گونه‌ای که بقیه اصحاب نگهبانی می‌دادند، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم هم به همراهشان نگهبانی می‌دادند و وقتی که ایشان در اثنای نگهبانی بسیار خسته می‌شدند و از سرما بی‌حال می‌شدند، برای اندک زمانی برمی‌گشتند و در لحاف من دراز می‌کشیدند اما به محض اینکه بدنشان گرم می‌شد دوباره برای محافظت از آن شکافی می‌رفتند و به سبب به طور متواتر چند شب بیدار ماندن، روزی آن حضرت بی‌نهایت خسته شدند و در هنگام شب فرمودند: کاش الان مسلمانی مخلص می‌بود تا من کمی استراحت می‌کردم، در این اثنا صدای سعد بن ابی وقاص آمد، آن حضرت از او پرسیدند: چرا آمده‌ای؟ گفت: برای نگهبانی از شما آمده‌ام، آن حضرت فرمودند: نیازی به نگهبانی از من نیست، به فلان جا برو، در جایی که کناره خندق شکسته است، از آن نگهبانی بده تا مسلمانان محفوظ بمانند، آنگاه سعد رفت تا از آنجا نگهبانی و کشیک دهد و سپس حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم برای اندک زمانی خوابیدند. ذکر خیر بقیه حضرت سعد بن وقاص را ان شاء الله در آینده بازگو خواهم کرد.

امروز هم الان دو سه نماز میت غایب اقامه خواهم کرد و ذکرخیرشان را عنوان می‌کنم، اولین ذکر خیر از آقای معلم عبدالسمیع خان کاتگری است که در ۶ ژوئیه در ربوه درگذشت، انا لله و انا الیه راجعون. وی در ۱۹۳۷م در قادیان به دنیا آمد. پدر بزرگش حضرت چودری عبدالسلام خان کاتگری سعادت پیدا کرد که به دست مبارک حضرت مسیح موعود علیه السلام در ۱۹۰۳م بیعت کند و اینطور وی صحابی آن حضرت بود. در سال ۱۹۷۲م مدیر مدرسه تعلیم الاسلام گماشته شد. از ۲۰۰۵ الی ۲۰۰۹م زعیم انصار الله و از ۲۰۱۳م الی ۲۰۱۶م به عنوان صدر جماعت دارالرحمت شرقی

ربوه توفیق خدمت پیدا کرد. وی معلم من هم بود و بسیار به نحو خوبی درس می داد، روی صورتش همیشه مهربانی و ملایمت بود و به روش بسیار خوبی درس خود را تفهیم می نمود، اولاد وی شامل یک پسر و یک دختر است.

نماز میت دوم متعلق به آقای سید مجیب الله صادق است که در ۲۸ مه در سن ۸۳ سالگی درگذشت، انا لله و انا الیه راجعون. وی در منطقه ارسفیلد بریتانیا به عنوان صدر جماعت احمدیه توفیق خدمت یافت و سپس پس از بازنشستگی در دفتر آقای امیر جماعت احمدیه بریتانیا به عنوان کارکن داوطلب شانزده سال خدمت به جای آورد. متوفی بسیار نمازشبخوان بود، به خلافت و جماعت محبت می ورزید، دارای ویژگی های فوق العاده می باشند. علاوه بر زن دو پسر و دو دختر به یادگار گذاشت.

در پایان خطبه حضور پر نور فرمودند: ذکر خیر نماز میت سوم را قبلاً بیان کرده ام که متعلق به کارکن دیرینه ما و اسیر راه مولی آقای رانا نعیم الدین محروم است. چون نماز میت او را نخوانده بودم لذا نماز میت او نیز شامل این نمازهای میت غایب است که ان شاءالله پس از نماز جمعه اقامه خواهیم کرد، خداوند متعال با همه اینان به رحمت و مغفرت برخورد نماید.